
بازشناسی احادیث مختص شیعه از میان احادیث مشترک فریقین درباره دجال

نصرت نیلساز*
کاوس روحی برندق**
سحر صدری***

◀ چکیده:

در جوامع روایی اهل تسنن و شیعه، روایات فراوانی درباره دجال وجود دارد. با این حال پاره‌ای از روایات به ویژه روایات سنی، به جوامع روایی شیعه راه یافته است. این مقاله با روش گردآوری کتابخانه‌ای و با مراجعه به منابع شیعه و اهل تسنن و با شیوه توصیفی تحلیلی (تحلیل محتوایی) برای اولین گام در تبارشناسی روایات مربوط به دجال، به بازشناسی روایات شیعی و سنی در جوامع روایی فریقین در موضوعات وقایع زمان خروج دجال، مکان خروج دجال، زمان خروج دجال، مکان‌های ایمن از فتنه دجال و محل کشته شدن پرداخته و به این نتیجه دست یافته است که در خصوص موضوع فتنه دجال و ریزعنوان‌های آن، از میان روایات فراوان موجود در جوامع روایی شیعه، فقط تعداد چهارده روایت، روایت شیعی به شمار می‌آید و بقیه روایات عامی هستند. نیز تعداد روایات جوامع روایی اهل سنت بیشتر از روایات جوامع روایی شیعه است.

◀ کلیدواژه‌ها: دجال، احادیث، شیعه، اهل تسنن، تبارشناسی.

* استادیار دانشگاه تربیت مدرس، نویسنده مسئول / nilsaz@modares.ac.ir

** دانشیار دانشگاه تربیت مدرس گروه علوم قرآن و حدیث / k.roohi@modares.ac.ir

*** دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس / sahar.sadri@modares.ac.ir

۱. طرح مسئله

در موضوع دجال به عنوان یکی از جنجالی ترین علائم آخرالزمان و نشانه های ظهور، روایات فراوانی از شیعه و اهل تسنن نقل شده است که می توان آن ها را از نظر موضوعی به سه دسته تقسیم کرد: ۱. روایات مربوط به ویژگی های اندامی دجال مانند خصوصیات چشم دجال، نوشته میان دو چشم دجال، خصوصیات مربوط به اندام و جنه دجال، خصوصیات مختص موی دجال، خصوصیات مختص سر دجال و سن دجال؛ ۲. روایات راجع به فتنه دجال شامل انذار همه پیامبران نسبت به فتنه دجال، اظهار نگرانی و ترس پیامبر ﷺ بر امت نسبت به دجال، استعاذه پیامبر ﷺ از شر فتنه دجال، فتنه دجال بزرگ ترین فتنه، دین والدین دجال، ابزارهای فتنه انگیزی و گمراه گر دجال، پیروان دجال، دشمن دجال، محشورشوندگان با دجال، مکان های ایمن از فتنه دجال و راه های در امان ماندن از فتنه دجال؛ ۳. احادیث مربوط به ویژگی های پیرامونی دجال مانند زمان خروج دجال، مکان خروج دجال، وقایع زمان خروج دجال، برخی وقایع زمان دجال، مدت عمر دجال، محل کشته شدن دجال، ناتوانی از تسلط بر دجال و کشته دجال. همچنین از نظر دیگر این احادیث به سه دسته کلی تقسیم بندی می شوند: ۱. روایات مشترک میان فریقین؛ ۲. روایات مختص شیعه؛ ۳. روایات مختص اهل تسنن.

از آنجا که بسیاری از روایات نقل شده از طریق اهل تسنن دارای اشکالات جدی از ناحیه سند و متن هستند، بازشناسی روایات مختص روایت شده از سوی اهل بیت علیهم السلام در جوامع روایی شیعه دارای اهمیت خاصی است؛ به ویژه آنکه بسیاری از احادیث اهل تسنن به جوامع روایی شیعه نیز راه یافته است. بنابراین ضروری است برای هرگونه پژوهش درباره روایات دجال، در گام نخست به تمییز و بازشناسی روایات شیعی و غیرشیعی پرداخته شود. از این رو این مقاله درصدد است روایات سنی را هرچند در جوامع روایی شیعه آمده باشد و روایات شیعی را هرچند در جوامع روایی اهل تسنن ذکر شده باشد، جداسازی و بازشناسی نموده و آماری دقیق از دسته بندی های روایات فریقین در هریک از عناوین ریز مربوط به دجال ارائه دهد. شایان ذکر است به علت بسیاری تعداد روایات مربوط به دجال در جوامع روایی فریقین و به علت رعایت

گنجایش مقاله روایات مربوط به عناوین مهم‌تری چون وقایع زمان خروج دجال، مکان خروج دجال، زمان خروج دجال، مکان‌های ایمن از فتنهٔ دجال و محل کشته شدن دجال بررسی می‌شود.

۲. دجال در لغت و اصطلاح

دجال از ریشهٔ «دجل» است که معانی مختلفی برای آن ذکر شده است؛ از جمله اختلاط حق و باطل (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۸۰)، پوشاندن و پنهان کردن (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۲۹)، دروغ‌گویی، وارونه جلوه دادن (ابن اثیر جزری، ۱۳۶۷ش، ج ۲۰، ص ۱۰۲؛ فیروزآبادی، بی تا، ج ۳، ص ۳۷۴)، پوشاندن پوست شتر با ماده قطران ۱ و آب طلا کردن شمشیر (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۲۳۶؛ فیروزآبادی، بی تا، ج ۳، ص ۳۷۴؛ حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، ص ۲۲۸) دجال بر وزن فعّال (صیغهٔ مبالغه) به معنای کذاب (بسیار دروغ‌گو) است. جمع دجال را دجاجله و دجالون گفته‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۲۳۷) و وجه تمایز «دجل» که به معنای دروغ گفتن است با سایر واژه‌هایی که به همین معناست (مانند کذب و...) با توجه به کاربردهای لغوی این ریشه، این است که دجل به معنای پوشاندن حقیقت و نوعی دروغ گفتن است؛ اما پوشاندن و دروغ گفتن همراه با جلوه دادن و آرایش و تزئین به صورتی که آن دروغ مزین، حقیقت را پوشانده و اصل مطلب را به گونه‌ای دیگر نمایان کند.

علمای لغت در وجه تسمیهٔ دجال مطالب مختلفی گفته‌اند: از جمله اینکه دجال:

۱. یا از «دَجَل» به معنی «دروغ» است و به سبب دورگویی هایش به این نام خوانده می‌شود.

۲. یا از «دَجَل» به معنی «پوشاندن» است برای اینکه به وسیلهٔ مخفی کردن رفتارهای ناشایست خود، مردم را به گمراهی می‌اندازد.

۳. یا از «دَجَل» به معنی «طلا» است و به دلیل اینکه همراه دجال، دارایی فراوانی وجود دارد به این نام خوانده می‌شود.

۴. یا از «دَجَل» به معنی «سرگین» است و به علت اینکه با کارهایش زمین را به فساد می‌کشانند به این نام خوانده می‌شود. (فیروزآبادی، بی تا، ج ۳، ص ۳۷۴؛ حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، ص ۲۲۸)

۵. یا از «دَجَل» به معنی «در نوردیدن» است و از این رو این نام به دَجَل اطلاق می‌شود که او بیشتر مناطق جهان را درمی‌نوردد و تحت سلطه خود درمی‌آورد.
 ۶. یا از «دَجَل دَجَل» به معنی «دروغ» و «فریب» مشتق شده و دلیل نام‌گذاری دَجَل به این نام این است که او ادعای ربوبیت می‌کند و این کار از بزرگ‌ترین دروغ‌هاست. (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، ص ۲۲۸)

اما واژه دَجَل در اصطلاح روایات، موجودی است که در آخرالزمان و یا در آستانه ظهور حضرت مهدی عج در زمین فتنه‌های بسیاری برپا می‌کند و بسیاری از مردم را گمراه کرده و وسعت فتنه‌های او همه جهان را در بر می‌گیرد؛ او موجودی است که با پوشاندن و مخفی کردن عیوب خود، دیگران را اغفال می‌کند و شیرازه وجودش تماماً دروغ است، با دروغ‌هایش به جنگ با خدا برخاسته و حکم الهی را قبول ندارد؛ چون خود را برتر از خدا می‌پندارد و سایه شوم او از مرزهای جغرافیایی فراتر رفته با وارونه کردن حقایق آن‌ها را باطل جلوه می‌دهد، در پوشانیدن لباس حق به تن باطل استاد است، دروغ را راست جلوه می‌دهد و زمانی که ظهور می‌کند، سراسر دنیا را به فساد می‌کشد.

۳. روایات موجود در جوامع روایی شیعه و اهل تسنن و بازشناسی روایات مختص شیعه

۳-۱. وقایع زمان خروج دَجَل

دسته‌ای از روایات مربوط به دَجَل که در جوامع روایی اهل تسنن وجود دارد، درباره وقایعی سخن می‌گویند که در زمان خروج دَجَل در دنیا اتفاق می‌افتد؛ وقایعی چون آبادی بیت‌المقدس، ویرانی یثرب، فتح قسطنطنیه و ظاهر شدن همه فتنه‌ها که راوی آن معاذ بن جبل از پیامبر ص است. (ابن حنبل، بی‌تا، ج ۵، ص ۲۴۵) انس بن مالک سه بار لرزش شهر مدینه را نقل می‌کند. (همان، ج ۳، ص ۲۳۸؛ طبرانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۲۶؛ هیشمی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۳۰۷) دروغ‌گو شمرده شدن انسان راست‌گو و راست‌گو شمرده شدن انسان دروغ‌گو که راوی آن انس بن مالک است. (ابن حنبل، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۲۰؛ مروزی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۵۲۲) همچنین، حذیفه بن یمان از رسول خدا ص نقل می‌کند که جهان پر از هرج و مرج و فتنه می‌شود. (مروزی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۳۷۹)

و ابی مجلز نقل می‌کند که در آن زمان مردم به سه دسته تقسیم می‌شوند: گروهی دشمن وی هستند و او را به قتل می‌رسانند، دسته‌ای از او فرار می‌کنند و دسته سوم یاوران وی هستند که همراهی‌اش می‌کنند. (الدانی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۱۷۶) و...

دسته‌ای دیگر از این روایات به‌خصوص به کارهای خارق‌العاده‌ای که دجال در زمان خروج انجام می‌دهد اشاره می‌کنند؛ کارهایی چون دجال به آسمان می‌گردد، آسمان می‌بارد؛ به زمین می‌گردد؛ برویان، زمین می‌رویاند که راوی آن، نواس بن سمعان از رسول خدا ﷺ است. (ابن ماجه، بی تا، ج ۲، ص ۱۳۵۶؛ مروزی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۵۲۲؛ سیوطی، بی تا، ج ۲، ص ۲۴۲) همچنین در احادیث اهل سنت برای دجال یک قدرت افسانه‌ای ذکر شده است و به نظر می‌رسد این احادیث خالی از غلو و بزرگ‌نمایی نیست.

در جوامع روایی شیعه نیز دو روایت در این موضوع می‌توان یافت که به کارهای دجال و وقایعی که در زمان او در دنیا اتفاق می‌افتد اشاره می‌کنند که این وقایع بسیار شبیه به وقایع مطرح شده در روایات اهل تسنن است مانند فتح قسطنطنیه (ابن طاووس، ۱۴۱۶ق، ص ۱۷۲؛ یزدی حائری، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۲۴۱) و وارد شدن دجال به دریاها و حرکت کردن او بر روی آبها و قحطی شدید. (حلی، ۱۴۲۱ق، ص ۱۲۸)

فراوانی روایات اهل تسنن درباره این موضوع بسیار بیشتر از روایات موجود در جوامع روایی شیعه است. همچنین در جوامع شیعه فقط دو روایت یافت می‌شود که یکی از آنها راوی آن عبدالله بن مسعود است و از جوامع اهل تسنن وارد جوامع شیعه شده است و دیگری روایتی شیعی است که آن را اصبع بن نباته از امیرالمومنین (علیه السلام) نقل می‌کند: «همانا دجال وارد دریاها می‌شود و به روی آبها حرکت می‌کند، دو کوه از دود در برابرش حرکت می‌کند و کوه سفیدی در پشت سرش که مردم آن را غذا تصور می‌کنند. همانا دجال در قحطی شدید خارج می‌شود.» (قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۱۱۳۳؛ حلی، ۱۴۲۱ق، ص ۱۲۸؛ جزائری، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص ۱۶۰)

۲-۳. مکان خروج دجال

در دسته‌ای دیگر از جوامع روایی اهل تسنن، مطالبی درباره مکان خروج دجال ذکر شده است. موضوعات روایات اهل تسنن به این قرار است: ۱. مشرق‌زمین که راویان

آن عبارت‌اند از: عبدالله بن معتم (مروزی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۴۲۳؛ هیشمی، ۱۴۰۸ق، ج ۷، ص ۳۴۰)، ابوهریره (ابن حنبل، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۹۷؛ حاکم النیشابوری، بی‌تا، ج ۴، ص ۵۲۸)، ابوبکر (ابن حنبل، بی‌تا، ج ۱، ص ۴؛ ابن ماجه، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۳۵۳؛ ترمذی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۳۴۵) و عثمان. (حاکم النیشابوری، بی‌تا، ج ۴، ص ۴۷۸؛ هیشمی، ۱۴۰۸ق، ج ۷، ص ۳۴۶) ۲. اصفهان که انس ابن مالک (مسلم بن الحجاج، بی‌تا، ج ۸، ص ۲۰۷؛ مقریزی، ۱۴۲۰ق، ج ۶، ص ۳۶۶) آن را نقل می‌کند. ۳. جور و کرمان که راوی آن ابوهریره (ابن حنبل، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۳۷؛ مروزی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۶۶۳) است. ۴. قسطنطنیه که ابوهریره (حاکم النیشابوری، بی‌تا، ج ۴، ص ۴۷۶) ناقل آن است. ۵. بصره که عبدالله بن عمر (الدانی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۱۷۶) آن را روایت می‌کند. ۶. مکانی بین شام و عراق که نوّاس بن سماعان (ابن ماجه، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۳۵۶) ناقل آن است و همه روایات اهل تسنن، منقول از رسول خدا ﷺ است.

روایات شیعه نیز مانند روایات اهل سنت در بیان مکان خروج دجال هم‌نوا نبوده و مکان‌های متفاوتی را به‌عنوان مکان خروج دجال معرفی می‌کنند؛ مانند قزوین (قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۱۱۴۸)، جور و کرمان (ابن طاووس، ۱۴۱۶ق، ص ۱۸۲؛ طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۶۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۸، ص ۱۲۲)، مشرق سیستان (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۲۵۲؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۱۲۴)، یهودیه اصفهان (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۵۲۶؛ جزائری، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص ۱۶۱)، منطقه‌ای در بصره که برخی آن را میسان می‌نامند، برخی سفوان و برخی سنّام (ابن طاووس، ۱۴۱۶ق، ص ۲۶۶)، خراسان (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷ق، ص ۱۶؛ ابن طاووس، ۱۴۱۶ق، ص ۳۰۰)

مکان‌های مشترک ذکر شده در جوامع روایی فریقین عبارت است از: خراسان، بصره، اصفهان و جور و کرمان؛ و مکان‌هایی که فقط در جوامع روایی شیعه ذکر شده عبارت است از: مشرق سیستان و قزوین، و مکانی که تنها در روایات اهل سنت ذکر شده، قسطنطنیه است. در میان روایات موجود در جوامع روایی شیعه، فقط دو روایت شیعی است با این مضمون که: امام صادق علیه السلام از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می‌کند: «همانا دجال از منطقه‌ای در بصره که برخی آن را میسان می‌نامند، برخی سفوان و برخی سنّام،

خارج می‌شود.» (ابن طاووس، ۱۴۱۶ق، ص ۲۶۶) و در روایتی دیگر اصبغ بن نباته از امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل می‌کند: «همانا دجال از اصفهان از روستایی که یهودیه نامیده می‌شود خارج می‌شود.» (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۵۲۶؛ جزائری، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص ۱۶۱) و دیگر روایات موجود در جوامع روایی شیعه، منقول از راویان عامه همچون ابوهریره (ابن طاووس، ۱۴۱۶ق، ص ۱۸۲؛ شیخ حر عاملی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۳۸۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۸، ص ۱۲۲)، ابن عباس (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۲۵۲؛ فیض کاشانی، ۱۳۷۱ش، ص ۲۵۴؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸ش، ج ۷، ص ۳۴۰) و اُبی سلیمان العلوی (ابن طاووس، ۱۴۱۶ق، ص ۳۰۰) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) هستند و روایت ابوهریره که درباره جور و کرمان است، عیناً در جوامع روایی شیعه نیز تکرار شده است.

۳-۳. زمان خروج دجال

در دسته‌ای دیگر از روایات جوامع روایی شیعه و اهل تسنن از زمان خروج دجال سخن به میان آمده است. روایات زمان خروج دجال در جوامع روایی اهل سنت خود به دسته‌های جزئی‌تری تقسیم می‌شوند:

۱. پس از فتح قسطنطنیه که راویان آن عبارت‌اند از: نزال بن سبره از علی (ع) (الدانی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۲۳۰) و معاذ بن جبل از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) (أبی داود، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۳۱۲؛ ابن ماجه، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۳۷۰؛ حاکم النیشابوری، بی‌تا، ج ۴، ص ۴۲۶)
۲. پس از فتح روم که ناقل این روایت جابر بن سمره (ابن حنبل، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۷۸) است.
۳. پس از فتح شهر کفر که راوی آن، کعب (حاکم النیشابوری، بی‌تا، ج ۴، ص ۴۶۲) است.
۴. پس از فراموش شدن دجال که راوی آن، عقبه بن عامر است. (هیثمی، ۱۴۰۸ق، ج ۷، ص ۳۳۵؛ مقریزی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۳۷۴)
۵. پس از ظهور سی کذاب که ناقل آن، ابابکره (ابن حنبل، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۶؛ حاکم النیشابوری، بی‌تا، ج ۴، ص ۵۴۱) است.
۶. پس از ظهور برخی از خصوصیات و صفات در مردم و جامعه. مانند الف. ظهور حالتی شبیه زکام در مؤمنان و مستی در کافران و منافقان که معاذ بن جبل (حاکم

النیشابوری، بی تا، ج ۴، ص ۴۸۵) آن را روایت می کند. ب. تقسیم شدن مردم به دو گروه مؤمن و منافق که راوی آن، عبدالله بن عمر از پیامبر ﷺ (ابن حنبل، بی تا، ج ۲، ص ۱۳۳؛ مروزی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۵۲۲؛ حاکم النیشابوری، بی تا، ج ۴، ص ۴۶۷) است. ج. روی گردانی مردم از دین و علم که جابر بن عبدالله انصاری آن را روایت می کند. (ابن حنبل، بی تا، ج ۳، ص ۳۶۷؛ سیوطی، بی تا، ج ۲، ص ۲۴۲)

۷. قبل از ظهور عیسی ﷺ که ناقل این روایت حذیفه بن یمان از رسول خدا ﷺ (مروزی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۳۶۴) است.

۸. پس از ظهور حضرت مهدی ﷺ که راوی آن، نزال بن سبره از علی (ع) (الدانی، ۱۴۱۶ق، ص ۸۳۸) است.

روایات شیعه نیز مانند روایات اهل سنت در بیان زمان خروج دجال یک داستان نبوده و در این زمینه مطالب گوناگونی را بیان می کنند.

۱. نزدیک بودن خروج دجال که راوی آن، مجاهد از امام صادق ﷺ است. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۷۳ و ج ۴، ص ۱۵۸؛ بحرانی، ۱۳۷۴ش، ج ۴، ص ۴۰۱) ۲. پس از فتح قسطنطنیه که از معاذ بن جبل (ابن طاووس، ۱۴۱۶ق، ص ۲۹۸) نقل شده است. ۳. غلبه برخی از کشورها و شهرها بر برخی دیگر که در کتاب مناقب ابن شهر آشوب (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹ق، ج ۲، ص ۲۷۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۱، ص ۳۱۹) آمده است و راوی آن معلوم نیست. ۴. پس از ظهور حضرت مهدی ﷺ که راوی آن، عباس بن عبدالمطلب از پیامبر ﷺ (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۱۶۵ و ۳۸۶؛ فیض کاشانی، ۱۳۷۱ش، ص ۲۵۳؛ شیخ حر عاملی، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۱۹۵ و ج ۵، ص ۲۲۱) است. ۵. آمیخته شدن حق با باطل که آن را علی خزاز از امام رضا ﷺ (ابن بابویه، ۱۳۶۲ش [ب]، ص ۸) نقل می کند. ۶. پس از ظهور برخی از خصوصیات و صفات در مردم و جامعه مانند اینکه وقتی نماز ترک شود، امانت‌ها ضایع شوند، دروغ گفتن حلال شمرده شود، ربا خوردن یکی از کارهای معمولی جامعه باشد، رشوه‌خواری در میان مردم رایج شود، مردم ساختمان‌ها را محکم بسازند، دین را به دنیا فروشند، مردم کم‌خرد بر کارها گمارده شوند و... که راوی آن، نزال بن سبره از

علی علیه السلام (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۷۸ و ۲۵۱ و ج ۲، ص ۵۲۶؛ حلی، ۱۴۲۱ق، ص ۱۲۵؛ دیلمی، ۴۱۲ق، ج ۱، ص ۶۷) است.

از جمله مطالب مشترک ذکر شده در روایات فریقین موارد زیر را می‌توان برشمرد: پس از فتح قسطنطنیه و پس از ظهور حضرت مهدی علیه السلام، ظهور برخی از خصوصیات و صفات در مردم و جامعه.

در میان روایات موجود در جوامع روایی شیعه، سه روایت شیعی وجود دارد: یکی از آن‌ها روایت طولانی نزال بن سبره به نقل از علی علیه السلام است که زمان خروج دجال را توصیف می‌کند و در قسمت قبل به آن اشاره شد. (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۷۸ و ۲۵۱ و ج ۲، ص ۵۲۶؛ قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۱۱۳۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۱، ص ۷۰ و ج ۵۲، ص ۲۷۷) در روایت دیگر، حسن بن علی خزاز از امام رضا علیه السلام نقل می‌کند: «دجال زمانی ظهور می‌کند که حق با باطل آمیخته گشته، در قضاوت‌ها اشتباه صورت گیرد و مؤمن از منافق قابل تشخیص نباشد» (ابن بابویه، ۱۳۶۲ش [ب]، ص ۸) و مجاهد از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «همانا فتنه دابه و دجال نزدیک است.» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۷۳ و ج ۴، ص ۱۵۸)

همچنین، روایت معاذ بن جبل که از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: «همانا دجال هفت ماه پس از فتح قسطنطنیه خارج می‌شود.» (ابن طاووس، ۱۴۱۶ق، ص ۲۹۸) عیناً با مضمون و راوی مشترک در جوامع روایی شیعه تکرار شده است و این مطلب نشان‌دهندهٔ ورود این روایت از جوامع روایی اهل تسنن به جوامع روایی شیعه است.

۳-۴. مکان‌های ایمن از فتنهٔ دجال

دسته‌ای دیگر از روایاتی که دربارهٔ دجال در جوامع حدیثی اهل تسنن آمده است، در مورد مکان‌هایی سخن می‌گویند که از شر فتنهٔ دجال ایمن هستند. این دسته از روایات در بیان این مطلب هم‌نوا نبوده بلکه موارد متفاوتی را به‌عنوان مکان‌های در امان از دجال ذکر می‌کنند. طبق این روایات فقط مکان‌هایی که از شر دجال مصون می‌ماند، موارد زیر است: ۱. مکه و مدینه که ناقل این روایت، ابوسعید خدری از پیامبر صلی الله علیه و آله (ابن حنبل، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۳، ۹۷ و ج ۶، ص ۲۴۱، ۴۱۶؛ بخاری، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۲۲۳؛ نسائی، ۱۳۴۸ق، ج ۲، ص ۴۸۵) است. ۲. مکه که فاطمه بنت قیس (ابن حنبل، بی‌تا، ج ۶،

ص ۳۷۴ و ۴۱۸) آن را نقل کرده است. ۳. مدینه که این روایت را راویانی چون ابوسعید خدری (ابن حنبل، بی تا، ج ۳، ص ۳۶، ۷۹ و ۲۰۶؛ بخاری، ۱۴۰۱ق، ج ۸، ص ۱۰۲، ۱۰۴؛ مسلم بن الحجاج، بی تا، ج ۸، ص ۱۹۹؛ حاکم النیشابوری، بی تا، ج ۴، ص ۵۴۱)، انس بن مالک (مسلم بن الحجاج، بی تا، ج ۸، ص ۲۰۶؛ حاکم النیشابوری، بی تا، ج ۴، ص ۵۴۳)، فاطمه بنت قیس (مسلم بن الحجاج، بی تا، ج ۸، ص ۲۰۳) و ابی بکره (حاکم النیشابوری، بی تا، ج ۴، ص ۵۴۲؛ سیوطی، بی تا، ج ۲، ص ۲۴۲) از رسول خدا ﷺ نقل می کنند. ۴. بیت المقدس که راوی آن، حسن بن جابر از کعب الاحبار (حاکم النیشابوری، بی تا، ج ۴، ص ۴۶۲؛ هیثمی، ۴۰۸ق، ج ۷، ص ۳۴۰) است. ۵. چهار مسجد که جناده بن ابی امیه الدوسی نقل می کند که این روایت را از یکی از صحابه رسول خدا ﷺ شنیده است. (ابن حنبل، بی تا، ج ۵، ص ۴۳۵؛ مروزی، ۴۱۴ق، ج ۲، ص ۵۶۰)

در جوامع روایی شیعه نیز به موضوع مکان های در امان از فتنه دجال اشاره شده است: ۱. مکه و مدینه که راویان آن، انس بن مالک از رسول خدا ﷺ (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۵۲۹؛ طوسی، ۴۱۴ق، ص ۳۸۲؛ قطب الدین راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۱۱۴۲) و ابن بکیر از امام صادق علیه السلام (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۵۲۹؛ طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۸۲) هستند. ۲. مکه، مدینه و بیت المقدس که مشخص نیست چه کسی از رسول خدا ﷺ (یزدی حایری، ۴۲۲ق، ج ۲، ص ۱۷۲) آن را روایت کرده است. ۳. مدینه که راوی آن، ابی امامه از رسول خدا ﷺ (عده ای از علماء، ۴۲۳ق، ص ۳۶۱؛ ابن طاووس، ۴۱۶ق، ص ۳۴۱) است.

فراوانی روایات موجود در جوامع روایی اهل تسنن بسیار بیشتر از جوامع روایی شیعه است. در میان این روایات، فقط یک روایت شیعی وجود دارد و آن هم روایت ابن بکیر از امام صادق علیه السلام است که نقل می کند: «همانا دجال هر دشت و پهنه ای را زیر پا می نهد مگر مکه و مدینه، زیرا که بر هر یک از گذرگاه های مکه و مدینه فرشته ای حضور دارد که آنجا را از طاعون و دجال حفظ می کند.» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۵۶۴؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۲؛ فتال نیشابوری، ۱۳۷۵ش، ج ۲، ص ۴۰۷) بقیه

روایتهای موجود در جوامع روایی شیعه، روایاتی هستند که از جوامع روایی اهل تسنن وارد منابع شیعی شده‌اند. همچنین، مکان‌های مشترکی که در جوامع روایی فریقین ذکر شده عبارت است از: مکه و مدینه و بیت‌المقدس؛ و مکان‌هایی که تنها در روایات اهل سنت ذکر شده عبارت است از چهار مسجد که عبارت‌اند از: مسجدالحرام، مسجد مدینه، مسجدالاقصی و مسجد طور سیناء و یا شهرهایی که این مساجد در آنجا قرار دارد.

۵-۳. محل کشته شدن دجال

در دسته‌ای دیگر از روایات جوامع روایی فریقین از محل کشته شدن دجال سخن به میان آمده است.

روایات اهل سنت دربارهٔ این موضوع، دارای اختلاف هستند و مکان‌های مختلفی را ذکر کرده‌اند. از جمله:

۱. شام و یا دمشق که راوی آن، معاذ بن جبل (ترمذی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۳۴۶) است.
۲. منطقه شام در گردنه افیق که نزال بن سبره از امیرالمؤمنین علیه السلام (الدانی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۱۹۱) آن را روایت می‌کند.
۳. باب لُد^۲ (ابن حنبل، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۲۰؛ ابن ماجه، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۳۵۶) ۴. کنار کوه دخان که عبدالله بن یزید (عینی، بی‌تا، ج ۸، ص ۱۷۱) آن را نقل می‌کند.
۵. کنار رود اردن که راوی آن، نهیک بن صریم سکونی از رسول خدا صلی الله علیه و آله (ابن سعد، بی‌تا، ج ۷، ص ۴۲۲) است.

جوامع روایی شیعه نیز در بیان محل کشته شدن دجال دارای اختلاف‌اند و عبارت‌اند از: ۱. شام (شیخ حر عاملی، ۱۴۲۵ق، ج ۵، ص ۱۴۳) ۲. باب لد (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۶۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۱، ص ۹۳) ۳. کوفه (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۱۷۳؛ همو، ۱۴۲۵ق، ج ۵، ص ۱۹۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ص ۲۷۶)

در این بخش نیز روایات موجود در جوامع روایی شیعه و اهل تسنن در بیان محل قتل دجال دارای اختلاف هستند. مکان‌های مشترک ذکر شده در روایات فریقین عبارت است از: شام و فلسطین (باب لد)، و مکانی که فقط در روایات شیعه ذکر شده، کوفه است و مکان‌هایی که فقط در روایات اهل سنت ذکر شده عبارت است از: کوه دخان

و کنار رود اردن.

در میان جوامع روایی شیعه، چندین روایت دربارهٔ این موضوع به چشم می‌خورد که از آن میان فقط سه روایت شیعی می‌باشد و مضمون آن‌ها به این قرار است که: اصبع بن نباته از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می‌کند: «همانا دجال و پیروانش سه ساعت از روز جمعه گذشته به دست عیسی علیه السلام در گردنه اُفَیق در شام کشته می‌شوند.» (قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۱۱۳۶) همچنین در روایت دیگری که نزال بن سبیره از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می‌کند محل کشته شدن دجال شام ذکر شده است. (شیخ حر عاملی، ۱۴۲۵ق، ج ۵، ص ۱۴۳) و در روایت دیگر عبدالملک بن هارون از امام صادق علیه السلام و ایشان از پدر بزرگوارشان نقل می‌کنند: «همانا عیسی علیه السلام سیصد و سی سال عمر می‌کند و پس از این مدت از آسمان به زمین دمشق نازل می‌شود و دجال به دست ایشان کشته می‌شود.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳)

در این موضوع فقط یک روایت از منابع روایی اهل تسنن وارد جوامع روایی شیعه شده است که ناقل آن حارث بن ابی اسامه است که از راویان عامه است.

۴. روایات مختص جوامع حدیثی شیعه یا اهل تسنن

۴-۱. روایات مختص جوامع حدیثی شیعه

۴-۱-۱. خروج دجال، آیت پروردگار: در میان جوامع روایی شیعه فقط یک روایت وجود دارد که آن هم روایت ابوالجارود از امام صادق علیه السلام است که نقل می‌کند: «روزی خواهد آمد که برخی از نشانه‌های پروردگار همچون طلوع خورشید از مغرب، خروج دجال و خروج دودی از آسمان ظاهر خواهند شد.» (شیخ حر عاملی، ۱۳۶۲ش، ص ۳۳۴ و ۳۵۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶، ص ۲۹۷، ج ۹، ص ۲۰۴ و ج ۶۴، ص ۳۲) و این هم روایتی شیعی است.

۴-۱-۲. دجال در تابوتی از آتش: دربارهٔ این موضوع فقط دو روایت یافت می‌شود که هر دوی آن‌ها شیعی و منقول از معصوم‌اند. در روایتی سلمان از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می‌کند که در قعر دوزخ تابوتی از آتش وجود دارد که دوازده نفر در آن قرار دارند. آنگاه به توصیف موقعیت آن تابوت در دوزخ پرداخته سپس افرادی را که در آن قرار دارند، به دو گروه اولین و آخرین تقسیم می‌کند و دجال را جزء گروه آخرین قرار

می‌دهد. (هلالی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۵۹۷؛ طبرسی، ۴۱۲ق، ج ۱، ص ۸۶) و در روایت دیگر، ابوذر از امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل می‌کند: «همانا دوازده نفر در تابوتی از آتش در اسفل دوزخ قرار دارند؛ شش نفر از اولین و شش نفر از آخرین در آن هستند. از نام آن‌ها سؤال شد؟ حضرت فرمودند: شش تایی اول، همانا فرزند آدم که برادرش را کشت، فرعون الفراعنه، سامری، دجال که اولین نفر است ولی در آخر همه خارج می‌شود، هامان و قارون؛ شش تایی دیگر نیز نعتل، معاویه، عمرو بن عاص، ابوموسی اشعری هستند.» (ابن بابویه، ۱۳۶۲ش [الف]، ج ۲، ص ۴۵۷ و ۴۸۵؛ ابن طاووس، ۴۱۳ق، ص ۳۶۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۰، ص ۲۰۷ و ۴۰۹؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۳۹۱ و ج ۴، ص ۱۵۹)

۱-۳. زراعت و کشاورزی در زمان دجال: در میان جوامع روایی شیعه روایتی وجود دارد که شیعی است و در آن سیابه از امام صادق (علیه السلام) درباره مکروه بودن یا نبودن کشاورزی سؤال می‌کند و حضرت در جواب او فرصت را غنیمت شمرده و پاسخ او را این گونه بیان می‌کنند که کشاورزی حتی در زمان خروج دجال نیز مکروه نیست. (کلینی، ۴۲۹ق، ج ۵، ص ۲۶۰ و ج ۱۰، ص ۳۷۰؛ ابن بابویه، ۴۱۳ق، ج ۳، ص ۲۵۰؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۳۸۵ و ج ۷، ص ۲۳۶)

۲-۴. روایات مختص جوامع حدیثی اهل سنت

این روایات به دوازده موضوع تقسیم می‌شوند:

۱-۲-۴. فتنه دجال، بزرگ‌ترین فتنه: در میان روایات اهل سنت مواردی دیده می‌شود که تعبیری چون «اشد الفتن» و «شر غائب» را برای فتنه دجال به کار برده‌اند. (ابن حنبل، بی تا، ج ۳، ص ۳۴۵)

۲-۲-۴. توصیف خصوصیات ظاهری والدین دجال: در میان روایات اهل سنت تنها یک روایت به توصیف خصوصیات ظاهری و جسمانی والدین دجال پرداخته است. (طیالسی، بی تا، ص ۱۱۶؛ ابن حنبل، بی تا، ج ۵، ص ۴۰ و ۵۰؛ ترمذی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۳۵۳)

۳-۲-۴. دین والدین دجال: برخی روایات اهل سنت، مادر دجال را زنی یهودی مذهب معرفی می‌کنند. (ابن حنبل، بی تا، ج ۳، ص ۳۶۸؛ هیثمی، ۱۴۰۸ق، ج ۸،

ص ۴)

۴-۲-۴. جنس والدین دجال: در میان روایات اهل سنت روایتی به چشم می خورد جنس والدین دجال را معرفی می کند. (مسعودی، ۱۳۸۵ق، ص ۴۱)

۵-۲-۴. ذکر برخی خصوصیات ظاهری مربوط به دجال: از میان روایاتی که خصوصیات جسمانی و ظاهری دجال را معرفی می کنند تعدادی به معرفی قد، اندازه، مو و ... دجال می پردازند که در زیر به نمونه هایی از آنها اشاره می کنیم:

الف. خصوصیات مربوط به اندام و جثه دجال: برخی از روایات اهل سنت تنها به معرفی جثه و اندام دجال پرداخته اند مانند روایتی که رسول خدا ﷺ درباره عظیم الجثه بودن دجال سخن می گویند. (أبو یعلی الموصلی، ۱۴۰۵ق، ص ۶۸) تعدادی دیگر از این روایات علاوه بر توصیف اندام، قد دجال را نیز توصیف کرده اند. (شیبانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۸۶؛ مروزی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۵۱۹) برخی دیگر از این روایات علاوه بر توصیف قد دجال، پا و موی او را نیز وصف می کنند. (ابن حنبل، بی تا، ج ۵، ص ۳۲۴؛ مروزی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۵۱۸) در میان تعدادی از این روایات نیز توصیفات درباره پوست و حالت موی دجال به چشم می خورد. (ابن حنبل، بی تا، ج ۱، ص ۱۷۶ و ج ۲، ص ۸۳ و ۱۲۲؛ بخاری، ۱۴۰۱ق، ج ۸، ص ۱۰۲)

ب. خصوصیات مختص موی دجال: پاره ای از روایات، حالت موی دجال را توصیف می کنند. (بخاری، ۱۴۰۱ق، ج ۷، ص ۵۷ و ج ۸، ص ۷۲؛ مسلم بن الحجاج، بی تا، ج ۱، ص ۱۰۷)

ج. خصوصیات مختص سر دجال: در میان روایات اهل سنت روایاتی به چشم می خورد که به توصیف سر دجال می پردازند. (ابن حنبل، بی تا، ج ۱، ص ۲۴۰؛ حاکم النیشابوری، بی تا، ج ۱، ص ۳۲۹؛ بیهقی، بی تا، ج ۳، ص ۳۳۹)

۶-۲-۴. سن دجال: در میان احادیث اهل تسنن فقط یک روایت درباره سن و سال دجال یافت می شود. (مروزی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۵۲۲)

۷-۲-۴. همراه داشتن کوهی از نان: برخی از روایات اهل سنت بیان می کنند که همراه دجال کوهی از نان و نهی از آب وجود دارد. (مسلم بن الحجاج، بی تا، ج ۶، ص ۱۷۷؛ عینی، بی تا، ج ۲۴، ص ۲۱۵)

۸-۲-۴. مدت اقامت دجال: روایات مربوط به این موضوع خود به سه دسته تقسیم می‌شوند:

الف. وابسته به مصلحت الهی: برخی از روایات اهل سنت زمان معینی را به عنوان مدت اقامت دجال ذکر کرده‌اند و به صورت مبهم آورده‌اند که هر چقدر که خدا بخواهد و آن را وابسته به مصلحت الهی دانسته‌اند. (مسلم بن الحجاج، بی‌تا، ج ۸، ص ۲۰۲؛ ابن حجر، بی‌تا، ج ۱۳، ص ۹۲)

ب. چهل سال (أبی داود، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۳۱۹) (چهل روز) (ابن حنبل، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۶۷ و ج ۶، ص ۴۵۴ و ۴۵۹؛ ابن ماجه، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۳۵۶؛ أبی داود، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۳۱۸)

۹-۲-۴. ناتوانی از تسلط بر دجال

الف. عدم تسلط بر دجال: در برخی از روایات مانند روایت جابر، صراحتاً آمده است که هیچ قدرتی را یارای تسلط بر دجال نیست. (ابن حنبل، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۶۷)

ب. تصریح رسول خدا ﷺ بر عدم تسلط نیرویی بر دجال: در میان روایات اهل سنت روایتی از عبدالله بن عمر به چشم می‌خورد که در آن رسول خدا ﷺ به عدم تسلط قدرتی بر دجال تصریح می‌کنند. (ترمذی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۳۵۲؛ هیشمی، ۱۴۰۸ق، ج ۸، ص ۴)

ج. تسلط بر دجال توسط برخی افراد خاص: در میان تعدادی از روایات اهل سنت، تنها شخصی خاص، یارای تسلط بر دجال را دارد. (نسائی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۴۸۵؛ عینی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۲۴۴)

۱۰-۲-۴. دشمن دجال: بعضی از روایات اهل تسنن قبیلهٔ بنی تمیم را به عنوان بزرگ‌ترین دشمن دجال معرفی کرده‌اند و در این احادیث به مدح و ستایش این قبیله پرداخته شده است. (ابن حنبل، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۹۰؛ بخاری، ۱۴۰۱ق، ج ۳، ص ۱۲۲ و ج ۵، ص ۱۱۵؛ مسلم بن الحجاج، بی‌تا، ج ۷، ص ۱۸۱)

۱۱-۲-۴. محشورشوندگان با دجال

الف) کافران و منافقان: عده‌ای از روایات اهل سنت کافران و منافقان را در زمرهٔ محشورشوندگان با دجال معرفی می‌کنند. (حاکم النیشابوری، بی‌تا، ج ۴، ص ۴۶۹)

ب. محارب‌ان علیه رسول خدا ﷺ و اهل بیت ایشان: روایات اهل سنت جنگ‌کنندگان بر علیه خاندان عصمت و طهارت را هم طراز با دجال و آنها را در گروه محشورشوندگان با دجال معرفی می‌کنند. (طبری آملی، ۱۳۸۳ق، ص ۸۴)

۲-۱۲. دجال‌ها: از بررسی روایات اهل سنت درباره دجال این مطلب به دست می‌آید که پیش از خروج دجال اصلی، دجال‌ها یا کذاب‌های فراوانی خروج می‌کنند که هریک به نوعی موجب فریب و گمراهی مردم می‌شوند.

الف. خروج هفتاد دجال پیش از خروج دجال آخرالزمان. (مروزی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۵۱۹؛ هیشمی، ۱۴۰۸ق، ج ۷، ص ۳۳۳ و ۳۴۲)

ب. خروج سی کذاب پیش از خروج دجال. (ابن حنبل، بی‌تا، ج ۲، ص ۹۵ و ۱۰۴ و ج ۵، ص ۱۶؛ حاکم النیشابوری، بی‌تا، ج ۴، ص ۵۴۱)

ج. دجال‌های سه گانه: در میان روایات اهل تسنن روایتی از ابن مسعود به چشم می‌خورد که به دجال‌های سه گانه اشاره کرده است. (حاکم النیشابوری، بی‌تا، ج ۴، ص ۵۱۲؛ هیشمی، ۱۴۰۸ق، ج ۷، ص ۳۳۵)

د. دجال‌های دروغ‌گو. (مسلم بن الحجاج، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۲)

و. دجال در معنای دروغ‌گو. (نوری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۷۸؛ عینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۹۴)

نتیجه‌گیری

۱. درباره موضوع وقایع زمان خروج دجال، در جوامع روایی شیعه دو روایت می‌توان یافت که یکی از آنها روایت عامی و راوی آن، عبدالله بن مسعود از پیامبر ﷺ است و از جوامع اهل تسنن وارد جوامع شیعه شده است و دیگری روایتی شیعی است که آن را اصبع بن نباته از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می‌کند. درباره مکان خروج دجال، فقط دو روایت شیعی است که یکی را امام صادق علیه السلام از امیرالمؤمنین علیه السلام و دیگری را اصبع بن نباته از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده است. در موضوع زمان خروج دجال، در جوامع روایی شیعه سه روایت وجود دارد که دو مورد از آنها روایت شیعی است: یکی از آنها روایت طولانی نزال بن سبره به نقل از علی علیه السلام و روایت دیگر، روایت حسن بن علی خزاز از امام رضا علیه السلام است. روایت سوم، روایت معاذ بن جبل از رسول خدا ﷺ است که روایت عامی است و از جوامع روایی اهل تسنن به جوامع روایی شیعه راه

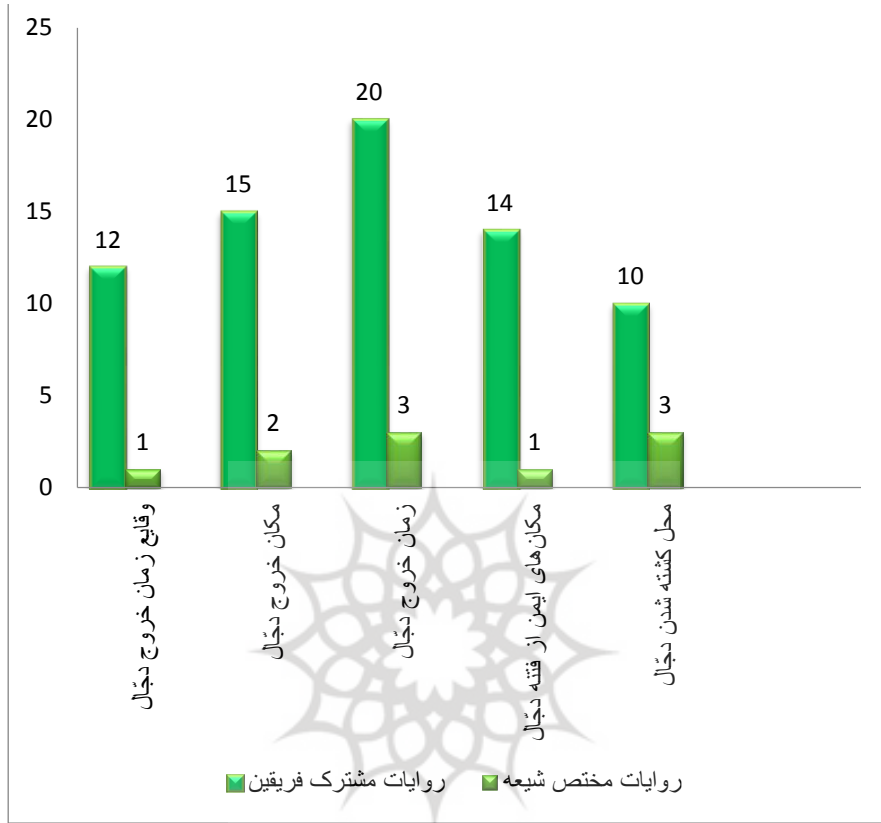
یافته است. در خصوص مکان‌های ایمن از فتنه دجال فقط یک روایت شیعی وجود دارد که آن هم روایت ابن بکیر از امام صادق علیه السلام است. بقیه روایت‌های موجود در جوامع روایی شیعه، از جوامع روایی اهل تسنن وارد منابع شیعی شده است. در موضوع مکان کشته شدن دجال فقط یک روایت در جوامع روایی شیعه وجود دارد که آن هم روایتی عامی و ناقل آن حارث بن ابی اسامه است.

۲. مجموع روایات شیعی در موضوعات مشترک میان فریقین، ده روایت است (جدول ۱) که اگر تعداد روایات مختص شیعه را هم به آن اضافه کنیم، جمعاً چهارده روایت می‌شود. بنابراین درباره موضوع فتنه دجال و ریزعنوان‌های آن، که مورد بحث در این مقاله بوده است، از میان روایات فراوان موجود در جوامع روایی شیعه فقط تعداد چهارده روایت روایت شیعی به شمار می‌آید و بقیه روایات عامی هستند و معمولاً تعداد روایات جوامع روایی اهل سنت بیشتر از روایات جوامع روایی شیعه است.

جدول مقایسه فراوانی روایات مختص شیعه و روایات مشترک میان فریقین

موضوع	تعداد روایات مختص شیعه	تعداد روایات مشترک میان فریقین
وقایع زمان خروج دجال	۱	۱۲
مکان خروج دجال	۲	۱۵
زمان خروج دجال	۳	۲۰
مکان‌های ایمن از فتنه دجال	۱	۱۴
محل کشته شدن دجال	۳	۱۰
مجموع	۱۰	۷۱

نمودار مقایسه فراوانی روایات مختص شیعه و روایات مشترک میان فریقین



پی‌نوشت‌ها:

۱. ماده‌ای که از جوشاندن چوب درخت کاج به دست می‌آید و از آن برای رفع بیماری‌های پوستی شتر استفاده می‌شده است. (نک: فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۹۶)
۲. روستایی است در نزدیکی بیت‌المقدس در سرزمین فلسطین. (نک: حموی، ۱۳۹۹ش، ج ۵، ص ۱۵)

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم، الغیبة، ج ۱، تهران: نشر صدوق، ۱۳۹۷ق.
۳. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، ج ۴، قم: مؤسسه مطبوعاتی

اسماعیلیان، ۱۳۶۷ش.

۴. ابن بابویه، محمد بن علی، *الخصال*، قم: جامعه مدرسین، چ ۱، ۱۳۶۲ش [الف].
۵. _____، *صفات الشیعة*، چ ۱، تهران: علمی، ۱۳۶۲ش [ب].
۶. _____، *کمال‌الدین و تمام النعمة*، چ ۲، تهران: اسلامیة، ۱۳۹۵ق.
۷. _____، *من لا یحضره الفقیه*، چ ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۸. ابن حجر، شهاب‌الدین، *فتح الباری*، چ ۲، بیروت: دار المعرفة للطباعة والنشر، بی تا.
۹. ابن حنبل، احمد، *مسند*، بیروت: دار صادر، بی تا.
۱۰. ابن سعد، محمد، *الطبقات الکبری*، بیروت: دار صادر، بی تا.
۱۱. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، *مناقب آل أبی طالب (علیه السلام)*، چ ۱، قم: علامه، ۱۳۷۹ق.
۱۲. ابن طاووس، علی بن موسی، *التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن*، چ ۱، قم: مؤسسه صاحب الامر (علیه السلام)، ۱۴۱۶ق.
۱۳. _____، *الیقین باختصاص مولانا علی علیه السلام بإمرة المؤمنین*، چ ۱، قم: دار کتاب، ۱۴۱۳ق.
۱۴. ابن فارس، احمد بن فارس، *معجم مقاییس اللغة*، چ ۱، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۱۵. ابن ماجه، محمد، سنن، تحقیق و ترقیم و تعلیق محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع، بی تا.
۱۶. ابن منظور، محمد، *لسان العرب*، چ ۳، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ق.
۱۷. أبو یعلی الموصلی، احمد بن علی، *المفارید عن رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم)*، تحقیق عبدالله بن یوسف الجدید، چ ۱، کویت: مکتبه دار الأقصى، ۱۴۰۵.
۱۸. أبی داود، سلیمان، سنن، تحقیق و تعلیق سعید محمد اللحام، چ ۱، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۰ق.
۱۹. بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان، *البرهان فی تفسیر القرآن*، چ ۱، قم: مؤسسه بعثه، ۱۳۷۴ش.
۲۰. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۰۱ق.
۲۱. بیهقی، احمد، *السنن الکبری*، بیروت: دار الفکر، بی تا.
۲۲. ترمذی، محمد، سنن، تحقیق و تصحیح عبدالرحمن محمد عثمان، چ ۲، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۰۳ق.
۲۳. جزائری، نعمت‌الله، *ریاض الأبرار فی مناقب الأئمة الأطهار*، چ ۱، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی،

۱۴۲۷ق.

۲۴. حاکم النیشابوری، محمد، المستدرک علی الصحیحین، إشراف: یوسف عبد الرحمن المرعشلی، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.

۲۵. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۴ق.

۲۶. حلّی، حسن بن سلیمان بن محمد، مختصر البصائر، ج ۱، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۱ق.

۲۷. حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۳۹۹ق.

۲۸. الدانی، عثمان بن سعید، السنن الواردة فی الفتن و غوائلها و الساعة و أشراطها، ج ۱، ریاض: دارالعاصمة، ۱۴۱۶ق.

۲۹. دیلمی، حسن بن محمد، إرشاد القلوب إلی الصواب، ج ۱، قم: الشریف الرضی، ۱۴۱۲ق.

۳۰. سیوطی، جلال‌الدین، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، بیروت: دار المعرفة للطباعة والنشر، بی‌تا.

۳۱. شبلی، ابن ابی عاصم، السنة، بیروت: المکتب الاسلامی، ۱۴۱۳ق.

۳۲. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، ج ۱، بیروت: اعلامی، ۱۴۲۵ق.

۳۳. _____، الايقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة، ج ۱، تهران: نوید، ۱۳۶۲ش.

۳۴. _____، تفصیل وسائل الشیعة إلی تحصیل مسائل الشریعة، ج ۱، قم: مؤسسه آل‌البتیة، ۱۴۰۹ق.

۳۵. طبرانی، سلیمان، الأحادیث الطوال، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، ج ۱، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۲ق.

۳۶. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، ج ۴، قم: الشریف الرضی، ۱۴۱۲ق.

۳۷. طبری آملی، عماد‌الدین ابی جعفر محمد بن ابی القاسم، بشارة المصطفی لشیعة المرتضی، ج ۲، نجف: المکتبة الحیدریة، ۱۳۸۳ق.

۳۸. طوسی، محمد بن الحسن، الأمالی، ج ۱، قم: دار الثقافة، ۱۴۱۴ق.

۳۹. _____، تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان)، ج ۴، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.

۴۰. طیب‌السی، سلیمان بن داوود، مسند، بیروت: دار المعرفة، بی‌تا.

۴۱. عده‌ای از علماء، الأصول الستة عشر، ج ۱، قم: مؤسسه دار الحدیث الثقافیة، ۱۴۲۳ق.

۴۲. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعة، تفسیر نور الثقلین، ج ۴، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.

۴۳. عینی، محمود، عمدة القاری، بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی تا.
۴۴. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، چ ۱، قم: انتشارات رضی، ۱۳۷۵ش.
۴۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، چ ۲، قم: نشر هجرت، ۱۴۰۹ق.
۴۶. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحیط، بیروت: المؤسسة العربیة، بی تا.
۴۷. فیض کاشانی، محمد محسن، محمد بن شاه مرتضی، تفسیر الصافی، چ ۲، تهران: مکتبه الصدر، ۱۴۱۵ق.
۴۸. فیض کاشانی، محمد محسن، نوادر الأخبار فیما یتعلق بأصول الدین، چ ۱، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۱ش.
۴۹. قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله، الخرائج و الجرائح، چ ۱، قم: مؤسسه امام مهدی علیه السلام، ۱۴۰۹ق.
۵۰. قمی مشهدی، محمد، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، چ ۱، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۶۸ش.
۵۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، چ ۱، قم: دار الحدیث، ۱۴۲۹ق.
۵۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، چ ۲، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۵۳. مروزی، نعیم بن حماد، الفتن، تحقیق و تقدیم الدكتور سهیل زکار، بیروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، ۱۴۱۴ق.
۵۴. مسعودی، علی بن حسین، أخبار الزمان، چ ۲، بیروت: دار الأندلس للطباعة والنشر، ۱۳۸۵ق.
۵۵. مسلم بن الحجاج، صحیح، بیروت: دار الفكر، بی تا.
۵۶. مقریزی، احمد بن علی، إمتاع الأسماع، تحقیق و تعليق محمد عبدالحمید النمیسی، چ ۱، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۰ق.
۵۷. نسائی، أحمد بن شعيب، السنن الكبرى، تحقیق عبد الغفار سلیمان البنداری، سید کسروی حسن، چ ۱، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۱ق.
۵۸. نسائی، أحمد بن شعيب، سنن، چ ۱، بیروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، ۱۳۴۸ق.
۵۹. نووی، یحیی بن شرف، شرح صحیح مسلم، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۶۰. هیثمی، علی، مجمع الزوائد، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۸ق.

۱۷۲ □ دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال دهم، شماره نوزدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۷

۶۱. یزدی حائری، علی، *إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب علیه السلام*، ج ۱، بیروت: مؤسسة الأعلمی، ۱۴۲۲ق.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی